

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام بر ابراهیم

کاری از گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی



فهرست

۴۴	یدالله	۶	مقدمه
۴۶	حوزه حاج آقا مجتهدی	۹	چرا ابراهیم هادی؟
۴۸	پیوند الهی	۱۲	زندگینامه
۵۰	ایام انقلاب	۱۴	محبت پدر
۵۴	۱۷ شهریور	۱۶	روزی حلال
۵۶	بازگشت امام (ره)	۱۸	ورزش باستانی
۵۸	جهش معنوی	۲۳	پهلوان
۶۰	تاثیر کلام	۲۷	والیبال تک نفره
۶۴	رسیدگی به مردم	۲۹	شرط بندی
۶۷	کردستان	۳۲	کشتی
۷۱	معلم نمونه	۳۵	قهرمان
۷۴	دبیر ورزش	۳۷	پوریای ولی
۷۶	نماز اول وقت	۴۰	شکستن نفس

۱۴۷	سلاح کمری	۷۹	برخورد با دزد
۱۵۲	فتح المبین	۸۰	شروع جنگ
۱۵۷	مجر وحیت	۸۵	دومین حضور
۱۶۰	مداحی	۸۸	تسییحات
۱۶۴	مجلس حضرت زهرا (س)	۹۱	شهرک المهدی
۱۶۶	تابستان شصت و یک	۹۴	حلال مشکلات
۱۶۸	روش تربیت	۹۶	گروه شهید اندرزگو
۱۷۱	برخورد صحیح	۱۰۰	شهادت اصغر و صالی
۱۷۵	ماجرای مار	۱۰۲	ظاهر ساده
۱۷۷	رضای خدا	۱۰۴	چم امام حسن (ع)
۱۸۰	اخلاص	۱۰۷	اسیر
۱۸۳	حاجات مردم و نعمت خدا	۱۰۹	نیمه شعبان
۱۸۸	خمس	۱۱۱	جایزه
۱۹۰	ما تو را دوست داریم	۱۱۳	ابو جعفر
۱۹۲	عملیات زین العابدین (ع)	۱۱۸	دوست
۱۹۶	روزهای آخر	۱۲۰	گمنامی
۱۹۹	فکه آخرین میعاد	۱۲۳	فقط برای خدا
۲۰۳	والفجر مقدماتی	۱۲۵	محضر بزرگان
۲۰۷	کانال کمیل	۱۲۷	زیارت
۲۱۲	اسارت	۱۲۹	نارنجک
۲۱۴	فراق	۱۳۱	مطلع الفجر
۲۱۶	تفحص	۱۳۵	معجزه اذان
۲۱۹	حضور	۱۴۰	چفیه
۲۲۳	سلام بر ابراهیم	۱۴۲	شوخ طبعی
۲۲۵	تصاویر	۱۴۵	دو برادر

هوالعشق

نوشتار پیش رو نه تنها یادآور شهیدی قهرمان بلکه بیانگر احوال مردی است که با داشتن قهرمانیها، پهلوانیها، رشادتها، مروتها و... با دریافت مدال شهادت اکمال یافت.

در عصری که نوجوان و جوان ما با تاثیر پذیری از الگوهای کم مایه در عرصه‌های ورزشی و هنری و... در کوره راه‌های زندگی، یوسف‌وار هر گامشان را چاهی در پیش و گرگی در لباس میش در کمین است. مروری بر زندگی ابراهیم‌ها می‌تواند چراغی در شب ظلمانی باشد. چرا که پیر ما فرمود: با این ستاره‌ها راه را می‌شود پیدا کرد.

ابراهیم، دانش آموخته‌ای از مکتب ولایت که خود آموزگاری شد در تدریس خلوص و عشق و ایثار، جرعه نوشی از جام ساقی کوثر که خود ساقی گردید بر تشنگانی چند.

چیرگی بر نفس را آموخت، اما نه از پوریای ولی، که از مولایش علی (ع) و چه زیبا تصویر کشید سیمای فتوت را.

نشان داد که می‌شود بی‌قدم گردید سراپای جهان را و می‌توان در اوج آزادگی بندگی کردن ولی فقط حضرت حق را.

در خاطره تاریخ پیش از ظهور اسلام، جوان ایرانی با صفتهای مردانگی، قهرمانی، میهن دوستی و... جلوه‌گری می‌کرد.

پس از ظهور اسلام با آموختن درسهای دیگری چون ایثار، پاکی، نجابت، صداقت، دیانت، شهادت و... که از اهل بیت (ع) فرا گرفته بود. موجب درخشیدن نام جوان ایرانی بر تارک آسمان فضایل گردید. تا جایی که گردنکشان ملیتهای دیگر لب به اعتراف گشوده و مرجع‌گویان نامشان را می‌برده‌اند. دوره انقلاب اسلامی و برهه دفاع مقدس گواه این مدعاست.

مروری بر احوال جوان و نوجوان ایرانی در این دوران آن هم تحت رهبری پیری روش‌ضمیر مانند دیدن دریاست!

برخی با تماشای عظمت و زیبایی ظاهریش لذت می‌برند. برخی گام را فراتر نهاده، علاوه بر تماشا، تنی بر آب زده تا لذت بیشتری برده باشند. گروهی به این قناعت نمی‌کنند. دل به دریا زده تا از قعر آن و از لابه‌لای صخره‌های زیر آب و نهان‌هاز دیده، صدفی جسته و گوهری به کف آرند.

والحق چه بسیارند گوهرهای به دست آمده از دریای دفاع مقدس که گنجینه‌ای بی‌بدیل و دیدنی شده‌اند از برای سرافرازی ایران و اسلام عزیز و چه بی‌شمارند گوهرانی که در دل دریا مانده و هنوز دست غواصی به آنها نرسیده.

و این از عنایات حضرت حق است که هر از چندگاهی درّی می‌نمایاند تا بدانیم چه‌ها از این بیکران نمی‌دانیم.

ما چه کرده‌ایم یا چه خواهیم کرد؟! آیا این خاکیان را که افلاکیان بر آدمیتشان غبطه می‌خورند الگو قرار داده‌ایم؟! یا خدای ناکرده ناخلفی از نسل آدم را!! انسان نمایی از دین و دیاری دیگر که با ظاهری زیبا و قهرمان گونه سوار بر امواج رسانه‌ای، برای غارت دل و دین جوان و نوجوان ما حمله‌ور شده؟!

هر چند نهالهای نورس بیشه شیران ایران، ریشه در خاک ولایت دارند. آب از چشمه‌های زلال اشک خورده‌اند. اشکی که از طفولیت به همراه نوشیدن شیر مادر در محافل روضه سیدالشهداء در خون و رنگشان جاری است. مهر مهر عباس بر دل دارند و دل به مادر سادات فاطمه (س) دارند.

جوان و نوجوان ما در پی خوبی و خوبان عالمند و صداقت و عشقشان خلل ناپذیر، شاید بیگانگان غباری بر رویشان نشانده باشند اما محرمی کافی است که دریای وجود و وجدانشان را طوفانی کند و رشته‌های خصم را پنبه.

شاید بی‌ریش ولی باریشه‌اند. ابراهیمی می‌خواهند که تبر به دستشان دهد تا بت نفس خویش درهم شکنند.

بگذریم. غلو جوان ایرانی نکرده‌ایم که موجی گفته‌ایم از دریا و تنها در پی آنیم که با معرفی شهید ابراهیم هادی نشان دهیم مُشتی نمونه از این خروار. گرچه گردآوری خاطراتش بعد از گذشت سالها، از دوستانی که چون او گمنامند بسیار سخت بود. اما خواجه شیراز نهیب می‌زد ما را که:

در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن

شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

با لطف خدا ده‌ها مصاحبه با دوستان و خانواده آن عزیز انجام شد تا برگهایی از کتاب زرین عارفی بی‌هیاهو، عاشقی دلباخته، معلمی دلسوز، جوانی مسلمان از دیار خوبان ایران، پهلوانی غیور ولی بی‌ادعا و یاری راستین از نگار پرده‌نشین مهدی موعود (عج) آماده شود و برای مطالعه و تعمق شما خواننده عزیز تقدیم شود.

در خاتمه از همه کسانی که برای جمع‌آوری این مجموعه تلاش نموده‌اند تشکر می‌کنیم و چشم‌انتظاریم تا با نظرات، پیشنهادات، انتقادات و یا معرفی ابراهیمی که در شهر و محله و یا اقوام می‌شناسی ما را در معرفی خوبانمان یاری نمایی.

بدان همت تو در نقل خاطره‌ای و یا نقدی بر این نوشتار آدای دینی ناچیز است به آنها که رفتند تا دین و ناموس و ایران ما سرافراز بماند.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی، ره ز که پرسی، چه کنی، چون باشی